

## چه باید به فرزندم بگویم ...

**...وقتی که معلوم شود در مدرسه ی فرزندم دانش آموزی یا دانش آموزانی توسط معلم خود مورد تعرض یا آزار جنسی قرار گرفته اند.**

آنچه فرزند شما باید بداند:

برای کودکی که مورد تعرض جنسی قرار گرفته و حتی شاهد آن بوده مهمترین مسئله واکنش و چگونگی برخورد اولیاء و نزدیکان (والدین، معلمان و اشخاصی که در زندگی کودک نقش مهمی دارند) است. اگر کودک آسیب دیده در حلقه ی حمایت نزدیکی باشد که روایت او را باور کرده، از کودک حمایت روحی و روانی بنمایند، او را مورد باز خواست و پرس و جوی قرار ندهند، و شخص متعرض را یگانه مسئول پیشامد و مجرم بدانند، تنها در اینصورت کودک ممکن است که بتواند تجربه دردناک را پشت سر گذاشته و از آن دوره، بدون آسیب ماندگار عبور کند. با این وجود، بسیار مهم است که اولیاء آگاه باشند که کودک یا نوجوان در چنین شرایطی ممکن است که در درک احساس خود دچار انفعال، تناقض و سردرگمی شدید بشود. زیرا معمولاً فرد آزارگر با مهارت قربانیان خود را دچار سردرگمی و احساسات متناقض می کند. بسیار متداول است که کودکان آسیب دیده از یکسو احساس خشم و سردرگمی نسبت به آزارگر داشته باشند و از سوی دیگر از او دفاع کرده یا نسبت به او حتی احساس محبت و دلتنگی کنند.

اگر فرزند شما توسط معلمش در معرض یک تعرض، آزار یا هر شکلی از خشونت جنسی قرار گرفته، و یا حتی کودک دیگری توسط معلم او یا معلم دیگری در مدرسه آزار دیده لازم است که به فرزند خود آرامش بدهید و او را از حمایت خود مطمئن کنید. هیچکس حضور یک معلم مجرم و بد خواه کودکان را در مدرسه نمی خواهد. با این وجود، ممکن است بعضی از کودکان که به معلم مزبور علاقه داشته اند و یا مورد توجه او بوده اند، دچار حس خلاء عاطفی و غم از دست دادگی شوند. چنین کودکانی نیز به حمایت عاطفی و درک شدن نیاز دارند. مهم است که تحت هیچ شرایطی کودک را بازجویی و سوال پیچ نکنید. اما می توانید او را مطمئن کنید، که اگر او بخواهد راجع به موضوع (هر چند دشوار و پیچیده) حرف بزند، شما گوش شنوای امینی برای او خواهید بود.

اگر کودک راحت نباشد که با شما حرف بزند، او را تشویق کنید که با هر شخص امین دیگری که راحت است، در مورد پیشامد حرف بزند. در نهایت این کودک است که تصمیم می گیرد که چه چیزی را با شما در میان بگذارد فارغ از اینکه مستقیم در ماجرا درگیر بوده یا نه.

به فرزند خود بگویید که از طریق مدرسه (مثلاً انجمن اولیاء و مربیان) از آنچه رخ داده و رفتار معلم آگاه شدید. بطور مثال می توانید بگویید:

(...که معلم) اسم شخص خاطی (بچه ها و نوجوانان را وارد مسائل جنسی می کرده. آنها را وارد بازی های عجیب و لمس و تماس های نامناسب می کرده است. هیچ بزرگسالی اجازه چنین رفتارهایی با کودکان و نوجوانان ندارد. نام دیگر چنین رفتارهایی خشونت جنسی است. در بیشتر مواقع، آدم های آزارگر به گونه ایی کودک یا نوجوان را سردرگم می کنند که کودک نمی فهمد که چه اتفاقی افتاده. آنها به گونه ایی وانمود می کنند، که کودک باور کند که این خود اوست که چنین رفتارهایی را می خواهد یا دوست دارد و یا به نحوی محرک آن است. در بسیاری از موارد،

افراد آزارگر ویژگی های بسیار مثبتی داشته، با کودکان بسیار خوب بوده و غالباً بسیار محبوب اند. گاهی این رابطه عاطفی بین کودک و آزارگر به حدی قوی است که کودک از لمس های نامناسب معلم حتی آزرده هم نمی شود. حتی در چنین مواردی، از جرم یک بزرگسال در تعرض جنسی به کودک چیزی کم نمی شود. تمامی بزرگسالان این

را می دانند. برای همین، آزارگرها در پنهان و به دور از چشم دیگران به تعرض می پردازند و کودک را هم به نحوی متبحرانه به سکوت مجبور می کنند، حتی گاهی آنها را تهدید کرده و می ترسانند که میادای کسی از آنچه گذشته چیزی بگویند. کسی که چنین رفتاری با کودکان می کند، دوست دارد که احساس قدرت کند. مثل شاهی که هر چه اراده کند، می تواند انجام می دهد. چنین معلمی به سایر معلمان هم دروغ می گوید و آنها را هم گمراه می کند. برای همین همه ی مدرسه در شوک بوده و از اینکه چنین اتفاقی توانسته رخ بده ناراحت هستند...» اگر شما به عنوان والد احساس خشم و عصبانیت نسبت به معلم آزارگر دارید، آنرا با کودک خود در میان نگذارید. زیرا ممکن است که کودک به معلم مزبور علاقه یا دلبستگی داشته باشد. خشم شما باعث می شود که کودک نتواند به راحتی با شما در باره آنچه می داند صحبت کند. برای کسانی که از چنین حادثه ای آسیب دیده اند، یا حتی شاهد آن بوده اند، مدت زیادی طول می کشد تا احساسات مثبتی را که به فرد آزارگر داشته اند را از دست داده و واقعیت رفتار مجرمانه او و تأثیرات آن را درک کنند.

اگر شما نمی توانید، رفتار مجرمانه معلم را باور کنید، شک و تردید خود را با سایر افراد بزرگسال در میان بگذارید و نه با کودک یا نوجوان خود. آنچه در چنین مواقعی مهم است شفافیت و اطلاعات موثق است. کم اهمیت نشان دادن واقعیه کمکی به کودک شما نمی کند.

به یاد داشته باشید که سکوت بطور خاص کمک به آزارگر است. هر تلاشی (هرچند کوچک و نا ایده آل) برای روشن کردن ذهن کودک بهتر از سکوت است.

در صحبت هایتان با کودک بیان هایی داشته باشید که به او کمک کند تا درک و احساس روشنی از آنچه رخ داده و آنچه که در جریان است پیدا کند. به او بگویید که شما به این فکر می کنید که چگونه فردی با چنان ظاهر خوب و مهربان می توانسته چنان رفتار مجرمانه و غیر انسانی انجام دهد. اگر کودک مایل به صحبت با شما بود، با هم بحث کنید که معلم چگونه توانسته همگی را فریب دهد بطوری که هیچکس نفهمد چه اتفاقی در حال وقوع است. چنین روایتی بار سنگینی از دوش کودک برداشته و راه را برای بهبود عاطفی او باز می کند: «این آنها نبودند که کار نادرستی انجام داده اند، بلکه معلم بوده که با نقشه قبلی و فریب برنامه خود را اجرا کرده تا از کودکان سوء استفاده کند. معلم همه را فریب داده. دانستن این واقعیت باعث می شود که کودکان به اشتباه خود را گناهکار ندانند.

کودکانی که از خشونت جنسی آسیب دیده اند معمولاً دوست ندارند که دیگران از این مسئله آگاه شوند. به این خواسته ی آنها احترام بگذارید بدون اینکه قول راز داری بدهید، چرا که ممکن است شما و یا کودکان به کمک یا حمایت های گسترده تری نیاز داشته باشید. بنا براین راز داری ممکن است منطقی نباشد. ولی می توانید قول بدهید و تلاش کنید که اسم کودک مجرمانه بماند و هویت او عمومی نشود.

اگر به هر دلیلی نمی توانید به کودک خود حمایت و قدرت عمل کافی برای گذر از این مرحله دشوار بدهید، از افراد متخصص کمک بگیرید. کمک گرفتن نه تنها نشانه ی ضعف نیست بلکه شجاعانه و سودمند است.

هرگز نمی توان هیچ کودکی را در تعرض جنسی یک بزرگسال متهم یا مقصر شمرد.

تعرض جنسی در مدارس و مؤسسات آموزشی گوناگون و در زمان های متفاوت توسط اشخاص مختلف می تواند رخ دهد و این گناه بر دوش مدرسه یا مؤسسه نیست، بلکه بطور خاص بر عهده ی شخص متجاوز است.

با این وجود، مدرسه کارهای بسیاری می تواند برای محافظت از خود در آینده انجام دهد. یک چنین واقعه ی هولناکی می تواند به معیارها و مقرراتی منجر شود که از تکرار چنین اتفاقی در آینده جلوگیری کند. بعد از چنین بحرانی، مدرسه و مربیان به زمانی برای تحلیل اتفاقات، برنامه ریزی و در نهایت یک شروع جدید نیاز دارند. چنین گذاری پس از بحران یک شبه اتفاق نمی افتد و صبر و تلاش مربیان، مدیران مدرسه و همچنین والدین و دانش آموزان را می طلبد. مدرسه می تواند برنامه ای منسجم برای امنیت و محافظت از کودکان تهیه کرده و به اجرا در آورد تا کودک شما اعتماد به مدرسه را دوباره بیاموزد و شما به عنوان والد از امنیت دوباره ی فرزند خود مطمئن باشید.